

## **A Comparative Study of Text and Image in the Coffee House Paintings of the Battle of Rostam and Ashkobus**

By Majid Mazidi Sharafabadi<sup>1</sup>, Sahar Zekavat<sup>2</sup>, Ali Zarei<sup>3</sup>

### **Abstract:**

Portraying the Shahnameh stories and especially the story of the battle of Rostam and Ashkobus is one of the common subjects of the coffee house painting. In illustrating stories, artists create their works by referring to the original text of the story and relying on their imagination and the artistic knowledge of the past. Accordingly, the comparative study of text and image in the coffee house paintings of the battle of Rostam and Ashkobus as one of the important stories of the Shahnameh seems necessary. Knowing how the scene of the battle of Rostam and Ashkobus is represented through coffee house painters, identifying the degree of conformity of the paintings with the poems of the Shahnameh, and identifying the similarities and differences between the samples and the poems of the Shahnameh are among the objectives of this article. The present research is a theoretical study and has been conducted with a descriptive-analytical method and comparative approach, and the library, documentary and image information has been analyzed with a qualitative method. Case examples of the research include 6 works of coffee house paintings by Hossein Qoller Aghasi, Hossein Hamdani, Mansour Vafaei, Hassan Esmailzadeh and Mohammad Farahani.

### **Keywords:**

*coffee house painting, Rostam, Ashkobus, Shahnameh.*

---

1. (Corresponding Author) Ph.D. Candidate of Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of Art, Shahed University, Tehran  
majid.mazidi@shahed.ac.ir

2. Ph.D. Candidate of Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of Art, Shahed University, Tehran  
sahar.zekavat@shahed.ac.ir

3. Associate Professor, Faculty of Art, University of Birjand

azareie@birjand.ac.ir



# مطالعه تطبیقی متن و تصویر در نقاشی‌های قهقهه‌خانه‌ای نبرد رستم و اشکبوس

مجید مزیدی شرف‌آبادی؛ سحر ذکاوت؛ علی زارعی<sup>۱</sup>

## چکیده

ترسیم داستان‌های شاهنامه فردوسی به‌ویژه نبرد رستم و اشکبوس از موضوعات رایج در هنر نقاشی قهقهه‌خانه‌ای است. در مصوّرسازی داستان‌ها هنرمندان با استناد به متن داستان و تکیه بر قدرت تخیل خود و دانش هنری گذشتگان به خلق آثار هنری خود می‌پردازنند. بر این اساس مطالعه تطبیقی متن و تصویر در نقاشی‌های قهقهه‌خانه‌ای نبرد رستم و اشکبوس به عنوان یکی از داستان‌های مهم شاهنامه، ضروری به نظر می‌رسد. شناخت چگونگی بازنمایی صحنه نبرد رستم و اشکبوس توسط نقاشان قهقهه‌خانه‌ای و شناسایی میزان انطباق نقاشی‌ها با متن اشعار شاهنامه و شناسایی وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های نمونه‌ها با یکدیگر و اشعار شاهنامه از جمله اهداف این مقاله است. پژوهش پیش رو از نوع مطالعات در آن نظری است و با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده است و داده‌های کتابخانه‌ای، اطلاعات اسنادی و تصویری با روش کیفی تجزیه و تحلیل شده است. نمونه‌های موردی پژوهش شامل شش اثر از نقاشی‌های قهقهه‌خانه‌ای از آثار حسین قوللرآقاسی، حسین همدانی، منصوروفایی، حسن اسماعیل‌زاده و محمد فراهانی است.

## واژگان کلیدی

نقاشی قهقهه‌خانه‌ای، رستم، اشکبوس، شاهنامه.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران (نویسنده مسئول)  
majid.mazidi@shahed.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تخصصی، رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران  
sahar.zekavat@shahed.ac.ir  
azareie@birjand.ac.ir
۳. دانشیار، دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند



## مقدمه

شاهنامه فردوسی مهم‌ترین منبع حماسی و ملی ایرانی است که هویت و فرهنگ ایرانی را می‌توان از داستان‌های اساطیری و قهرمانی آن استنباط نمود. سنت تصویرگری شاهنامه از زمان سروده شدن آن رایج بوده است و بازنمایی داستان‌های اساطیری و حماسی شاهنامه در آثار هنر نگارگری، سفال‌گری و... از گذشته‌های دور تا به امروز مشاهده می‌شود. در دوره قاجار و پس از آن هنری عامیانه تحت عنوان نقاشی قهقهه خانه‌ای رایج شد که بخش عمده موضوعات این هنر مردمی به حماسه‌های شاهنامه اختصاص داشت. در این میان، داستان نبرد رستم و اشکبوس در شاهنامه یکی از داستان‌های مهم و مورد علاقه مردم است. با توجه به اینکه هنر قهقهه خانه‌ای خاستگاهی عامیانه دارد و از طرفی هنرمندان این سبک بر اساس اشعار شاهنامه و داستان‌های آن به خلق نقاشی اقدام می‌کنند؛ این پرسش‌ها مطرح می‌شود که آنان، نبرد رستم و اشکبوس را چگونه بازنمایی کرده و تا چه میزان به اشعار شاهنامه پایبند بوده‌اند و وجوده اشتراک و افتراق نقاشی‌های قهقهه خانه‌ای با یکدیگر و با اشعار شاهنامه در چیست؟ بنابراین، اهداف پژوهش حاضر به شناخت چگونگی بازنمایی صحنه نبرد رستم و اشکبوس توسط نقاشان قهقهه خانه‌ای و شناسایی وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های نمونه‌ها با یکدیگر و اشعار شاهنامه اختصاص یافته است. برای صورت‌بندی پژوهش، ابتدا نقاشی قهقهه خانه‌ای و سپس صحنه نبرد رستم و اشکبوس در پُرش طولی اشعار و در بخش بعدی انکاس این داستان در نقاشی‌های قهقهه خانه‌ای واکاوی شده است و در نهایت تطبیق و مقایسه بین متن اشعار و نقاشی‌های مورد نظر در این نبرد صورت گرفته است.

## پیشینه تحقیق

جستجوها پیرامون پیشینه این پژوهش نشان می‌دهد نقاشی قهقهه خانه‌ای از جنبه‌های مختلفی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ اما در راستای تطبیق تصویر با متن در موضوع نبرد رستم و اشکبوس پژوهش خاصی انجام نگرفته است و تنها به صورت جسته‌گریخته در مطالعات موجود، اشاراتی به آن شده است آزاده فروزان (۱۳۹۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی با عنوان «بررسی تطبیقی میان متن شاهنامه فردوسی و تصاویر برگرفته شده از شاهنامه در مکتب نقاشی قهقهه خانه» در بخشی از پژوهش خود متن و تصویر نقاشی قهقهه خانه‌ای قول‌لر آقاسی را با موضوع نبرد رستم و اشکبوس مقایسه کرده است. زهرا طوبایی و مریم کامیار (۱۳۹۳)، هنرهای کاربردی) هم در مقاله «بررسی تطابق صوت و تصویر در نقالی و نقاشی قهقهه خانه‌ای» آثار تصویری و متون نقالی را با رویکرد تطبیقی بررسی کرده است. منوچهر کلانتری (۱۳۵۲، هنر و مردم) هم پژوهشگر دیگری است که در مقاله‌ای به نام «رم و بزم شاهنامه در پرده‌های بازاری (قهقهه خانه‌ای)» به این نتایج دست یافته است که ذوق، سلیقه و باورهای هنرمند در عدم پایبندی تصاویر نقاشی قهقهه خانه‌ای به متن شاهنامه مؤثر بوده است. لازم به ذکر است نویسنده این مورد را به طور کلی در بستر جامعه آماری پراکنده و با موضوعات مختلف از نقاشی قهقهه خانه‌ای بررسی کرده است. به طور کلی پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی متن و تصویر در نقاشی‌های قهقهه خانه‌ای نبرد رستم و اشکبوس» با تعداد شش نمونه پژوهشی مشاهده نشده است. از این منظر، پژوهش حاضر نوآور و نوین است.



## ۱ روشن تحقیق

پژوهش پیش رو از نوع مطالعات نظری است که با روش توصیفی- تحلیلی و رویکرد تطبیقی فراهم آمده و داده های کتابخانه ای، اطلاعات اسنادی و تصویری آن با روش کیفی تجزیه و تحلیل شده است. نمونه های موردنی پژوهش شامل شش اثر از نقاشی های قهوه خانه ای از آثار حسین قوللرآفاسی، حسین همدانی، منصور و فایی، حسن اسماعیل زاده و محمد فراهانی است.

## ۱ نقاشی قهوه خانه ای

نقاشی قهوه خانه ای نوعی از نقاشی است که از دوره مشروطیت به صورت جدی شکل گرفت و دوران شکوفایی آن را می توان در دوران حکومت پهلوی اول دانست (چلیپا، گودرزی، شیرازی، ۱۳۹۰: ۷۲). پژوهشگران، سابقه نقاشی عامیانه مذهبی را در ایران به عهد صفویان - زمانی که تشیع گسترش بسیار یافت - مربوط می دانند (پاکباز، ۱۳۷۹: ۲۰۱). باید افروز نقاشی قهوه خانه ای با جنبش مشروطیت براساس سنت های هنر مردمی و دینی با تأثیرپذیری از طبیعت نگاری مرسوم آن زمان، به دست هنرمندانی مکتب ندیده و عامی شکل گرفت و بارزترین جلوه هایش در دوره پهلوی ظهر کرد. اصطلاح نقاشی قهوه خانه ای را اولین بار احتمالاً مارکو گریگوریان برای نقاشی مردمی و نه عامیانه به کار برد. اگر به تمام جریان نقاشی مردمی، نقاشی قهوه خانه ای اطلاق شود، آنگاه این نقاشی شامل پرده کشی، دیوار نگاری، نقاشی پشت شیشه، آینه و ... می شود. بدیهی است این گونه نقاشی ها علاوه بر قهوه خانه در سایر اماکن عمومی، نظیر تکایا و حسینیه ها، زورخانه ها، حمام ها و ... نیز دیده شده اند و موضوع اثر تعیین کننده محل نصب آن بود (هوشیار، افتخاری راد، ۱۳۹۵: ۸۵). سبک نقاشی قهوه خانه ای هنری درباری نبود و مختص قشر مردم عادی جامعه قاجار بوده است (حسین آبادی، محمد پور، ۱۳۹۵: ۷۰) و از آن جایی که نقالان، سفارش دهنگان و مخاطبان این سبک از مردم عادی بودند به آن نقاشی عامیانه نام نهادند (ساریخانی، ۱۳۸۴: ۱۱۵). نقاشی های قهوه خانه ای با اصول و آداب روایتگری نقال (به نثر و در حد فهم و درک همگان) همراه می شد و روایت شنونده را متأثر می کرد (طوبایی، کامیار، ۱۳۹۳: ۶). ریشه های این هنر را باید در فضای سیاسی و اجتماعی عصر قاجار کنکاش نمود (حسین آبادی، محمد پور، ۱۳۹۵: ۷۰). زمانی که پادشاهان قاجاری از هنر نقاشی برای نمایش شوکت و قدرت خود بهره می برند، هنرمندانی از بطن جامعه و از میان مردم عادی اقدام به فعالیت های هنری کرده و هنر نقاشی را از محدوده قصرها و کاخ های پادشاهی بیرون کشیدند و در بین مردم عادی گسترش دادند (حسین آبادی، محمد پور، ۱۳۹۵: ۷۱). مردم کوچه و بازار، عامی، کم سواد و بی سواد بیشتر مخاطبان و طرفداران این نقاشی ها بودند و اماکن عمومی نظیر قهوه خانه ها و تکایا، محل های اصلی نمایش نقاشی های این سبک از نقاشی بود و به نظر می رسد حامیان اصلی این هنر مردمی هم در درجه اول قهوه چی ها و صاحبان قهوه خانه ها بوده اند (غفوریان مسعودزاده، علی محمدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۰). با این حال این پرده ها علاوه بر قهوه خانه ها در مکان های عزیزداری، دکان ها، زورخانه ها و حمام ها نیز مورد استفاده قرار می گرفتند و موضوع پرده ها محل نصب آن را مشخص می کرد (فروزان، ۱۳۹۴: ۱۹).

از نیمه دوره قاجار به این طرف، قهوه خانه ها به عنوان یک پدیده اجتماعی در شهرها به خصوص شهر تهران مورد توجه عموم مردم قرار گرفت و شاهنامه خوانی و قصه گویی و نقالی از برنامه های مهم فرهنگی و رایج قهوه خانه ها تلقی



می شد (بلوک باشی، ۱۳۷۵: ۸۷). قهقهه خانه‌ها محل گرد همایی و تجمع مردم از قشراهای مختلف جامعه و محفلي برای بررسی مسائل و اخبار روز بود و نقالان نیز با روایت داستان‌های حماسی شاهنامه و وقایع تاریخی- مذهبی مردم را سرگرم می‌کردند و نقاشان نیز روایات نقالان را مصور می‌کردند و نقالان از روی پرده‌های بزرگ نقاشی شده، وقایع و داستان‌ها را برای مخاطبان عام خود روایت می‌کردند (غفوریان مسعودزاده، علی محمدی اردکانی، ۱۳۹۳: ۱۰). بنیان‌گذاران هنر نقاشی قهقهه خانه‌ای حسین قوللر آغا سی و محمد مدبراند و پس از ایشان شاگردانشان سبک نقاشی قهقهه خانه‌ای را ادامه دادند. عباس بلوکی فراز ماهرترین شاگردان حسین قوللر آغا سی و حسن اسماعیل زاده (چلیپا) نیز از شاگردان استاد محمد مدبراند (چلیپا، گودرزی، شیرازی، ۱۳۹۰: ۷۱). هم‌چنین سایر هنرمندان سبک قهقهه خانه‌ای عبارتند از: سید حسن عرب تبریزی، میرزا مهدی شیرازی، علی‌الوندی همدانی، علی‌رحمانی، حسین همدانی، احمد خلیلی، محمد فراهانی، فتح‌الله قوللر آقا سی و علی‌لدنی (گروئیانی، ضرغام، ۱۳۹۳: ۸) و منصوروفایی.

نقاشی‌های قهقهه خانه را می‌توان به گروه‌های زیر طبقه‌بندی نمود:

- ۱- ملی: برگرفته از ادبیات و حماسه‌های ملی ایران؛
- ۲- بومی و سنتی: برگرفته از آداب و رسوم رایج ملی ایران در بین عوام و اقوام ایرانی؛
- ۳- مذهبی: که بازتاب روایت‌ها، احادیث، داستان‌ها و حماسه‌های اسلامی است (چلیپا، گودرزی، شیرازی، ۱۳۹۰: ۷۳).

البته باید خاطرنشان کرد نقاشی‌های قهقهه خانه‌ای با موضوعات حماسی در اصل مبتنی بر طومارهای نقالی هستند و طومارهای نقالی مجموعه منثور مدونی هستند که منبع اصلی نقالان برای داستان‌گویی آن‌ها است و محدوده داستانی این متون هم غالباً از شروع کار کیومرث تا پایان شهریاری بهمن، همای یا داراب را شامل می‌شود و نقالان پیشکسوت برای تدوین آن‌ها، از منابع زیر بهره گرفته‌اند:

۱. شاهنامه (داستان‌های اصیل و الحاقی آن) و منظومه‌های پهلوانی پس از فردوسی؛
۲. پاره‌ای از اشارات منابع تاریخی درباره موضوعات ملی و پهلوانی؛
۳. اندوخته‌های ذهنی نقالان که خود آمیزه‌ای از خوانده‌ها و شنیده‌های آن‌ها مبتنی بر خیال‌پردازی آن‌ها است؛
۴. طومارهای نقالان پیشین (آیدنلو، ۱۳۹۰: ۲-۱).

در این پژوهش نقاشی‌های قهقهه خانه‌ای داستان رستم و اشکبوس با متن اصلی شاهنامه مقایسه شده است تا میزان تشابه آن‌ها مشخص شود.

## نبرد رستم و اشکبوس در اشعار شاهنامه

رزنامه رستم و اشکبوس یک اپیزود (داستان در داستان) مستقل در میان داستان بلندتری به نام کاموس کُشانی است (سرحدی، ۱۳۹۴: ۳۲). این نبرد به ویژه هنگامی که رستم اراده می‌کند با کمان اشکبوس را از پای درآورد، یکی از شاهکارهای حماسی فردوسی محسوب می‌شود. (همان) داستان نبرد رستم و اشکبوس در اشعار شاهنامه به این شرح است که پس از رسیدن کیخسرو به پادشاهی ایران، سپاهی عظیم از ایران به توران حمله می‌کند. جنگی میان سپاه ایران و لشکریان انبوه افراسیاب و هم‌پیمانانش در کنار رودی به نام شهد درمی‌گیرد. در آغاز سپاه ایران موفق

به شکست تورانیان می‌شود اما به افسون جادوگری که تحت امر پیران تورانی است، برفی انبوه بر سر ایرانیان می‌بارد که سبب مرگ بسیاری از آنان می‌گردد. رهام پهلوان ایرانی، جادوگر را می‌کشد و با باطل شدن جادو، وضعیت هوا به حالت عادی بازمی‌گردد. سپاهیان ایران که متتحمل تلفات بسیاری شده‌اند، بهنچار به کناره کوهی به نام هماون عقب‌نشینی می‌کنند؛ اما تورانیان مجدداً حمله می‌کنند و بسیاری از ایرانیان را می‌کشنند و راه رسیدن آذوقه را برآنان می‌بندند. سرانجام ایرانیان نامه‌ای به پادشاه می‌نویسند و از او درخواست می‌کنند که رستم را به یاری آنان بفرستد. قبل از اینکه رستم از راه برسد میان چند تن از پهلوانان ایرانی و تورانی جنگ تن به تنی رخ می‌دهد و زمانی که رستم به کناره کوه هماون می‌رسد سُم‌های رخش در اثر درازی راه کوفته می‌شود. بنابراین، رستم از نبرد منصرف می‌شود و جنگ را به روز آینده موکول می‌کند. روز بعد رهام از ایران به مقابله با اشکبوس از پهلوانان دشمن می‌رود، اما از او شکست می‌خورد و فرار می‌کند. طوس از این فرار پریشان شده و خود آماده جنگ با اشکبوس می‌شود. در این هنگام رستم بار رفتن طوس به میدان جنگ مخالفت می‌کند و از او می‌خواهد که فرماندهی لشکر را بر عهده بگیرد و خود با پای پیاده به میدان می‌رود. در میدان نبرد، اشکبوس که به سواره بودن خود مغور است؛ پیاده بودن رستم را مورد تمسخر قرار می‌دهد. از این‌رو، رستم تیری را در کمان می‌نهد و سینه اسب اشکبوس را نشانه می‌گیرد به طوری که با اصابت آن، اسب به زمین می‌افتد. اشکبوس با چهره‌ای زرد و ملامال از ترس می‌لرزد و کمانش را آماده و شروع به تیراندازی به سوی رستم می‌کند. رستم در این حال به سرعت، دست به کمر می‌برد و تیری بُرندۀ چون الماس با نوک جلا داده و مزین به پر عقاب را در چله (زه) کمان قرار می‌دهد و به سمت اشکبوس پرتاب می‌کند (فروزان، ۱۳۹۴، ۳۶-۳۷). و او را در دم از پای درمی‌آورد.

متن اشعار شاهنامه چنین است:

همی برخوشید بر سان کوس	دلیری کجا نام او اشکبوس
...	...
بزد اسپ کاید بر اشکبوس	ز قلب سپاه اندر آشفت طوس
که رهام را جام بادهست جفت	تهمتن برآشفت و با طوس گفت
میان یلان سرفرازی کند	به می در همی تیغ بازی کند
سواری بود کمتر از اشکبوس	چراشد کنون روی چون سندروس
من اکنون پیاده کنم کارزار	تو قلب سپه را به آیین بدار
به بند کمر بر بزد تیر چند	کمان به زه را به بازو فگند
هم آوردت آمد مشو باز جای	خوشید کای مرد رزم آزمای
عنان را گران کرد و او را بخواند	کشانی بخندید و خیره بماند
تن بی‌سرت را که خواهد گریست؟	بدوگفت خندان که نام تو چیست
چه پرسی کزین پس نبینی تو کام	تهمتن چنین داد پاسخ که نام
زمانه مرا پتک ترگ تو کرد	مرا مادرم نام مرگ تو کرد
به کشتن دهی سر به یکبارگی	کشانی بدوجفت بی‌بارگی
که ای بیهده مرد پرخاش جوی	تهمتن چنین داد پاسخ بدوى



سر سرکشان زیر سنگ آورد  
سوار اندر آیند هر سه به جنگ؟  
پیاده بیاموزمت کارزار  
که تا اسپ بستانم از اشکبوس  
ز دو روی خندان شوند انجمن  
بدین روز و این گردش کارزار  
نبینم همی جز فسوس و مزیح  
بیین تا هم اکنون سراری زمان  
کمان را به زه کرد و اندر کشید  
که اسپ اندر آمد ز بالا به روی  
که بنشین به پیش گرانمایه گفت  
زمانی برآسایی از کارزار  
تنی لرز لرزان و رخ سندروس  
تهمنت بدو گفت برخیره خیر  
دو بازوی و جان بداندیش را  
گزین کرد یک چوبه تیر خدنگ  
نهاده برو چار پر عقاب  
به شست اندر آورد تیر خدنگ  
خروش از خم چرخ چاچی بخاست  
ز شاخ گوزنان برآمد خروش  
گذر کرد بر مهره پشت اوی  
سپهر آن زمان دست او داد بوس  
فلک گفت احسنت و مه گفت زه  
چنان شد که گفتی ز مادر نزاد

(شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، ۱۳۷۱: ۱۸۵ - ۱۸۲).

پیاده ندیدی که جنگ آورد  
به شهر تو شیر و نهنگ و پلنگ  
هم اکنون ترا ای نبرده سوار  
پیاده مرا زان فرستاد طوس  
کشانی پیاده شود همچو من  
پیاده به از چون تو پانصد سوار  
کشانی بدو گفت با تو سلیح  
bedo گفت رستم که تیر و کمان  
چوناژش به اسپ گرانمایه دید  
یکی تیر زد بر بر اسپ اوی  
بخندید رستم به آواز گفت  
سزدگ برداری سرش در کنار  
کمان را به زه کرد زود اشکبوس  
به رستم برآنگه بیارید تیر  
همی رنجه داری تن خویش را  
تهمنت به بند کمر برد چنگ  
یکی تیر الماس پیکان چو آب  
کمان را بمالید رستم به چنگ  
بروراست خم کرد و چپ کرد راست  
چو سوفارش آمد به پهنای گوش  
چوبوسید پیکان سرانگشت اوی  
بزد بر بر و سینه اشکبوس  
قضا گفت گیر و قدر گفت ده  
کشانی هم اندر زمان جان بداد

اشعار بالا مبنی بر گفت و گو به صورت رجزخوانی و تعارض است. بنابراین می‌توان آن را مناظره خواند. همچنین در مناظره بین رستم و اشکبوس، لحن هر دو، تخاطبی، تخاصمی و حماسی است (سرحدی، ۱۳۹۴: ۳۵). زیرا اساساً «ژرف ساخت مناظره، حماسه است» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۲۷).

همچنین باید گفت طرف‌های گفت و گو در این روایت به ظاهر برای مخاطب مشخص و آشنا هستند؛ اما برای خود قهرمانان مبهم و ناشناسند. رستم اشکبوس را می‌شناسد چون در بیت دوازده او را به نام صدا می‌زند، ولی اشکبوس با وجود آشناگی کلی و قبلی با رستم، او را به چهره نمی‌شناسد (سرحدی، ۱۳۹۴: ۳۵). همان‌طور که از ایيات قابل برداشت است اشکبوس در آغاز گفت و گو بالحنی تحقیرآمیز با رستم سخن می‌گوید و رستم در کمال

خونسردی به او پاسخ می‌دهد و در مقابل سخن تحقیرآمیز اشکبوس در مورد پیاده بودنش، ابتدا اسب اشکبوس را از پای در می‌آورد و سپس اشکبوس را می‌کشد. حتی شاعر در بیان تبحر رستم در تیراندازی با بیانی هنری به بوسیدن دست رستم توسط سپهر اشاره کرده است و اینکه تیراندازی رستم چنان دقیق بوده است که فلک عمل او را تمجید می‌کند. در جدول (۱)، ویژگی‌های صحنه و شخصیت‌های نبرد رستم و اشکبوس به صورت خلاصه و موردی ارائه شده است:

#### جدول (۱) ویژگی‌های صحنه و شخصیت‌های نبرد رستم و اشکبوس در اشعار شاهنامه

ویژگی‌های اشکبوس	ویژگی‌های رستم	ویژگی‌های صحنه
سواره تن لزان و رخ زرد پس از زخمی شدن اسبیش تیر رستم بر سینه و پهلوی اسب او اصابت می‌کند. تیر رستم از مهرو پشت او عبور می‌کند.	پیاده تشبیه پیاده کارزار کردن رستم به شیر و نهنگ و پلنگ تها سلاح او تیر و کمان است. تیر رستم از جنس درخت خدنگ (درختی با چوب سخت) و پیکان (نوک تیر) آن بسیار تیز مانند الماس و دارای پر عقاب بود. مهارت رستم در تیراندازی، چه به هنگام از پای درآوردن اسب اشکبوس و چه در جنگ با او.	حضور سپاه ایران و توران

منبع: (نگارندگان).

#### نبرد رستم و اشکبوس در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای

همان طور که گفته شد صحنه نبرد رستم و اشکبوس در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای توسط هنرمندانی چون حسین قوللرآقاسی، حسن اسماعیل‌زاده، حسین همدانی، منصور وفایی و محمد فراهانی به تصویر کشیده شده است. در تصویر (۱) از جدول (۲) نقاشی قهوه‌خانه‌ای حسین قوللرآقاسی ارائه شده است. قوللرآقاسی رستم و اشکبوس را که شخصیت‌های اصلی داستان هستند در اندازه‌ای بزرگ ترسیم کرده و جنگ تن به تن دو قهرمان را به نمایش درآورده است. در فضای پشت سر آن‌ها، دو پرچم برافراشته، خیمه‌ها و سپاهیانی اعم از اسب‌سوار و فیل‌سوار ترسیم شده است. هنرمند همه این عناصر را در کادر اثر مستطیلی شکل ترکیب بندی کرده است. رستم زانو زده و نیم خیز نشسته است و لباس رزمی بر تن رستم دیده نمی‌شود اما سر آستین‌های رستم به شکل ببری ترسیم شده و لباس رستم، طرح بدین ببر را دارد. او تیر و کمانی به دست دارد و به نظر تیرش چوبی است و در انتهای تیرهایش حالتی پرماند دیده می‌شود. البته انتهای تیر موجود در دست رستم و تیر اصابت‌کرده بر اسب اشکبوس با نوع تیر فروخته در بدن اشکبوس متفاوت است. انتهای تیر فروخته در بدن اشکبوس هاشورهایی روشن دارد. اشکبوس در کنار اسبش بالباسی رزمی و کلاه‌خودی بر سر در حالتی تیرخورده ترسیم شده و اسب او هم تیر خورده و زخمی است و در حال افتادن بر روی زمین نقاشی شده است. دو پرچمی که در اثر قوللرآقاسی دیده می‌شوند متعلق به دو سپاه ایران و توران هستند و ببروی پرچم ایران آیه «نصر من الله و فتح قریب» نقش بسته است که به معنای وعده پیروزی جبهه حق است. نکته جالب توجه اشاره هنرمند به همین آیه از قرآن کریم است که در اثری با موضوعی حماسی و



غیردینی نمایش یافته است.

مفهوم اصلی نبرد رستم و اشکبوس به نبرد خیر و شر اشاره دارد که از مفاهیم مهم ادبیات و آموزه‌های ایرانی از دوران باستان تاکنون است. این مفهوم در ادیان پیشاالاسلامی نیز بسیار مورد توجه بوده است و در دوران اسلامی مفهوم نبرد خیر و شر در جنگ‌های مسلمانان علیه دشمنان تبلور یافته است و آیه مبارک موردنظر اشاره به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان دارد. این آیه، آیه ۱۳ سوره صاف است که بسیاری از مفسران آن را به فتح مکه تفسیر کرده‌اند، و برخی هم آن را نشانهٔ پیروزی بر سرزمین‌های ایران و روم و برخی نیز آن را مرتبط با همه فتوحات اسلامی دانسته‌اند که در مدت اندکی با مجاهدت برای مسلمانان به دست آمده است (مکارم شیرازی، جلد ۲۴، ۱۳۷۴: ۹۱). قمی نیز منظور از فتح قریب را، پیروزی قائم آل محمد بیان کرده است (قمی، جلد ۲، ۱۳۶۷: ۳۶۶).

حسین قوللرآقاسی معتقد بود که: «ما حکایات شاهنامه را دست‌چین کردیم و آنچه نقالان گفتند و هر چه مردم خواستند به نقش کشیدیم، مردم از ما تجسم زور و بازوی پهلوانان شاهنامه را طلب کردند و شکست دشمنان را، ما هم اطاعت کردیم، به رستم علاقه داشتند؛ چون پهلوان دیار خودشان و دست بسته مولای متقيان بود. حتی گاه از من خواستند که دشنه رستم را بر پهلوی سهراب فروزنکم؛ زیرا از مرگ سهراب بیزار بودند» (اعظم زاده، ۱۳۸۶: ۶۰ و ۶۱). با توجه به این سخن قوللرآقاسی می‌توان چنین استنباط نمود که ادغام و ترکیب حماسه و دین توسط او، برخاسته از موضع دینی و اعتقادات مذهبی او و پیشینهٔ فرهنگی شاهنامه‌خوانی و روح حماسه‌طلبی حاکم بر جامعه ایرانی بوده است.

در تصویر (۲)، نقاشی حسن اسماعیل زاده یکی دیگر از هنرمندان قهقهه‌خانه‌ای ارائه شده است. در این نمونه هم هنرمند صحنهٔ نبرد تن به تن رستم و اشکبوس و حالت اصابت تیر رستم به تن اشکبوس را به تصویر درآورده است. اسماعیل زاده عناصر نقاشی را در کادری مستطیلی شکل ترکیب‌بندی نموده و شخصیت‌های اصلی داستان را در اندازه‌ای بزرگ ترسیم کرده است. رستم در حالتی نیم خیز و زانو زده دیده می‌شود. رستم لباسی با سرآستین‌های ببری شکل دارد و طرح پوست ببر بر روی لباس رستم نقش بسته است و کلاه خودی بر سر، و بازو بند بر بازو دارد. چند تیر در جلو پای رستم که روی زمین افتاده است که سر یکی از تیرها حالتی سفید و براق و تیز دارد. در رو به روی رستم اشکبوس با لباسی رزمی و چهراهای پریشان مصور شده که تیری میانه سینه او فورفته و در حال افتادن بر روی زمین است. در پشت سر اشکبوس هم اسبش بر روی زمین افتاده است. در صحنه پشت سر آن‌ها منظره‌ای از طبیعت و درختان، تپه، برج و بارو، خیمه‌ها و چند سواره نظام و دو نفر نیزه‌دار پیاده دیده می‌شوند و سلاح‌هایی که بر روی زمین پخش و پراکنده شده‌اند.<sup>۱</sup>

در نمونه (۳) هم که حاصل هنرمندی حسین همدانی است؛ ترکیب‌بندی اثر مانند دو نمونه قبل در کادری مستطیلی ترسیم شده است. این اثر ترکیب‌بندی پیچیده‌ای ندارد و رستم در حال پرتاب تیری به سوی اشکبوس ترسیم شده که تیر بر قلب اشکبوس اصابت کرده به طوری که تعادل خود را از دست داده و در حال افتادن است. این حالت به شکلی اغراق‌آمیز ترسیم شده است. رستم پیاده و با کلاه خود، بازو بند و زانو بند و با لباسی پرزدار با سرآستین‌های ببری شکل ترسیم شده و گرز گاوسر و سپر خود را بر روی زمین گذاشته است. تیری در کنار رستم بر

۱. توضیح ویراستار: البته مطابق داستان‌های شاهنامه، بیرونیان جامه‌ای بوده که رستم به هنگام جنگ به تن می‌کرده و آن از پوست پلنگ یا ببر بوده است.

روی زمین افتاده که نوک آن سفید و براق است و بسیار تیز به نظر می‌رسد و انتهای تیری هم که به سینه اشکبوس اصابت کرده دارای پردازه‌ایی سفیدرنگ است. اشکبوس هم پیاده مصور شده اما اسبش بر روی زمین افتاده و در خون غلتیده است. در چشم انداز میدان جنگ، پشت سر شخصیت‌های اصلی کوهی بلند دیده می‌شود که دو نفر نیزه‌دار در جلو آن دیده می‌شوند که گویا در حال اشاره به نبرد رستم و اشکبوس هستند.

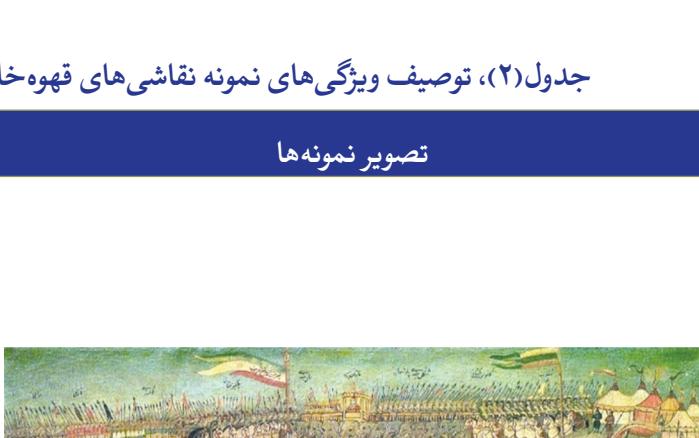
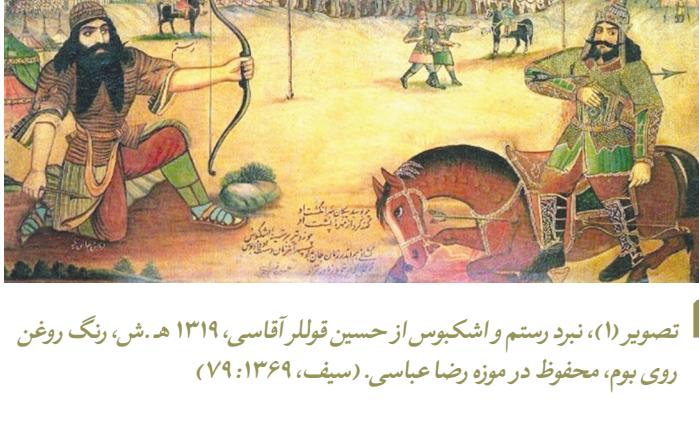
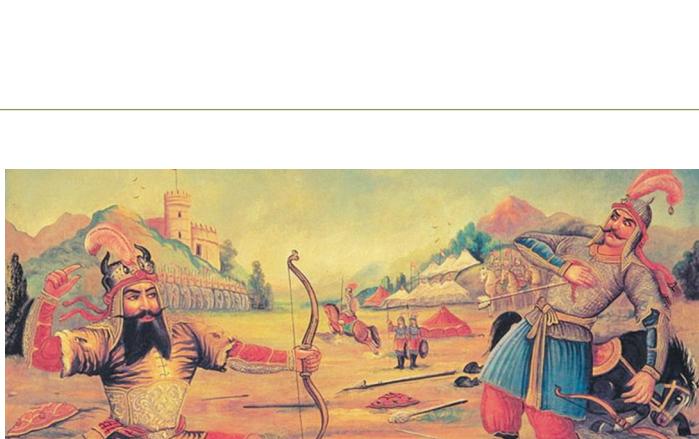
تصویر (۴) هم اثر منصور وفایی است که ترکیب‌بندی پیچیده‌ای را در کادری مستطیلی نقاشی کرده است. رستم و اشکبوس در اندازه‌ای بزرگ‌تر نسبت به سایر عناصر هر دو بالباس رزمی ترسیم شده‌اند با این تفاوت که زرهی بر تن رستم دیده نمی‌شود و لباس رستم شکل پوست بیر را دارد و سرآستین‌های رستم به شکل سر بیر است در حالی که اشکبوس زره بر تن دارد. رستم زانو زده و تیر بزرگ او با نوک طلازی و و انتهای پر دار سفیدرنگ آن به سینه اشکبوس اصابت کرده است. اشکبوس پیاده است و تعادل خود را از دست داده و در حال افتادن بر روی زمین است و سپر و کمانش بر روی زمین افتاده است و کلاه‌خودش هم در حال افتادن بر روی زمین ترسیم شده که تأکیدی بر عدم تعادل او دارد. اسبی سفید و تیرخورده، اشکبوس در پشت سر دو شخصیت بر زمین افتاده است. سپاهیان و سواره نظام رستم و اشکبوس هم در دو طرف اثر، و دورتر از دو شخصیت مصور شده‌اند. اسب سواری هم در وسط، آن سوتراز دو جنگجو، در تصویر دیده می‌شود که در حال دویدن از سمت سپاه اشکبوس به سوی سپاه رستم است. تصویر قلعه و طبیعت نظیر کوه‌هایی بلند، درختان و رودخانه نیز پس زمینه اثر را تشکیل داده است.

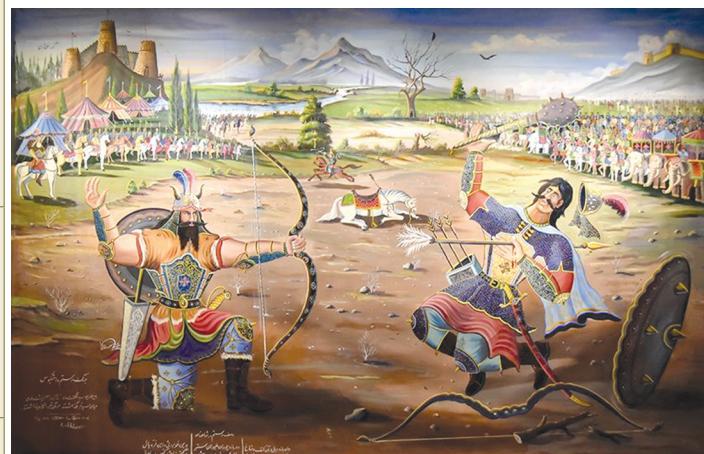
منصور وفایی همین موضوع را مجدد در تصویر (۵) به تصویر کشیده است که ترکیب‌بندی ساده‌تری دارد. رستم زانو زده و با کلاه‌خود، بازویند و زانوبند نقاشی شده و لباسش همانند پوست بیر است و در قسمت سرآستین‌های لباسش سر بیرهایی با دهان باز دیده می‌شود. هیکل رستم درشت‌تر از اشکبوس ترسیم شده است. اشکبوس کوچک‌تر از رستم و زخمی مصور شده است. تیری بلند با انتهایی پرمانند بر سینه اشکبوس اصابت کرده و تعادل او برهم خورده است. اسب اشکبوس نیز زخمی و تیرخورده بر زمین افتاده است. در چشم‌اندازی دورتر، در دو طرف نقاشی تصویر سپاهیانی سواره و خیمه‌هایی دیده می‌شود و سواری از سمت سپاهیان اشکبوس به سوی خیمه‌ها در حال تاختن است و پس زمینه اثر با نقش کوه‌هایی مزین شده است.

محمد فراهانی هم از نقاشان قهقهه‌خانه‌ای است که در نمونه (۶)، نبرد رستم و اشکبوس را به تصویر کشیده است. فراهانی نیز شخصیت‌های رستم و اشکبوس را در اندازه‌ای بسیار بزرگ‌تر از سایر عناصر ترسیم کرده و رستم به صورت زانو زده و با کلاه‌خود و لباس پشمی ببرمانند با سرآستین‌های ببرمانند و بازویند و زانوبند در حالت تیراندازی تصویر شده است. در سمتی دیگر اشکبوس با پای پیاده و اسبی افتاده در کنارش مصور شده است. علائمی از زخمی شدن اسب او دیده نمی‌شود. گویی تیری از کمان رستم رها شده و بر سینه اشکبوس اصابت کرده و تعادل او را برهم زده است. تفاوت لباس رزمی او با رستم در زره فلزی است. شمشیرها و سپرهای دو پهلوان بر روی زمین افتاده است. در پشت سر آن دو قلعه‌هایی در دو طرف تصویر دیده می‌شود. در پشت سر اشکبوس چشم‌های در حال جاری شدن است و در وسط تصویر دو تن نیزه‌دار دیده می‌شوند و در فاصله خیلی دورتر سواره نظام‌ها و سپاهیان ایستاده‌اند. در جدول (۲) ویژگی‌های نمونه‌ها طبقه‌بندی شده است.



## جدول(۲)، توصیف ویژگی‌های نمونه نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای با موضوع نبرد رستم و اشکبوس

تصویر نمونه‌ها	توصیف ویژگی‌های اثر
 <p>تصویر(۱)، نبرد رستم و اشکبوس از حسین قوللرآقاسی، ۱۳۱۹ ه.ش، رنگ روغن روی بوم، محفوظ در موزه رضا عباسی. (سیف، ۷۹: ۱۳۶۹)</p>	<p>وجود سپاهیان در پشت سر شخصیت‌های اصلی ترسیم شخصیت‌های اصلی در اندازه بزرگ (رستم تنومندتر از اشکبوس است) ترسیم صحنه نبرد تن به تن و کشته شدن اشکبوس وجود دو پرچم در پس زمینه اثر پرچم سپاه رستم مزین به آیه «نصر من الله و فتح قریب» است. وجود خیمه‌ها و سپاهیان اسب سوار و فیل سوار وجود دو سرباز در پشت سر شخصیت‌ها و در حال اشاره به قهرمانان در حال نبرد</p>
 <p>تصویر(۲)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، اثر حسن اسماعیل‌زاده.</p>	<p>پیاده و زانوزده، بالباس غیررسمی با سر آستین‌های ببری شکل با تیر و کمان تیر چوبی و دارای انتهای پرمانند</p>
 <p>تصویر(۱)، نبرد رستم و اشکبوس از حسین قوللرآقاسی، ۱۳۱۹ ه.ش، رنگ روغن روی بوم، محفوظ در موزه رضا عباسی. (سیف، ۷۹: ۱۳۶۹)</p>	<p>پیاده در کنار اسبیش بالباسی رزمی و کلاه خود و زره و تیرخورده حالت چهره‌اش خشنی و حالت ناپایداری از پاهاش مشخص است</p>
 <p>تصویر(۲)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، اثر حسن اسماعیل‌زاده.</p>	<p>رنگ قهوه‌ای، تیرخورده، زخمی، روی زمین افتاده</p>
 <p>تصویر(۱)، نبرد رستم و اشکبوس از حسین قوللرآقاسی، ۱۳۱۹ ه.ش، رنگ روغن روی بوم، محفوظ در موزه رضا عباسی. (سیف، ۷۹: ۱۳۶۹)</p>	<p>وجود خیمه‌ها، قلعه‌ها و سپاهیان اسب سوار و فیل سوار وجود دو سرباز در پشت سر شخصیت‌ها و در حال اشاره به قهرمانان در حال نبرد.</p>
 <p>تصویر(۲)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، اثر حسن اسماعیل‌زاده.</p>	<p>پیاده و زانوزده، بالباسی رزمی و کلاه خود و زره و تیرخورده با سر آستین‌های ببری شکل با تیر و کمان و بدون زره فلزی تیر از چوب که دارای انتهای پرمانند است.</p>
 <p>تصویر(۱)، نبرد رستم و اشکبوس از حسین قوللرآقاسی، ۱۳۱۹ ه.ش، رنگ روغن روی بوم، محفوظ در موزه رضا عباسی. (سیف، ۷۹: ۱۳۶۹)</p>	<p>پیاده در کنار اسبیش بالباسی رزمی و کلاه خود و زره و تیرخورده با چهره پریشان که تعادلش بهم خورد و در حال افتادن است.</p>
<p>تصویر(۲)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، اثر حسن اسماعیل‌زاده.</p>	<p>به رنگ سیاه، تیرخورده، زخمی، روی زمین افتاده</p>

<p>ترسیم شخصیت‌های اصلی در اندازه بزرگ (رستم تنومندتر از اشکبوس است) ترسیم صحنه نبرد تن به تن و کشته شدن اشکبوس وجود کوه‌ها و درختان وجود دو سریاز در پشت سر شخصیت‌ها در حال اشاره به دو پهلوان در حال نبرد</p>	صحنه	
<p>پیاده و زانوزده، با کلاه خود و بازویند و زانوبند با سر آستین‌های بیری شکل با تیر و کمان و بدون زره فلزی تیر چوبی که دارای انتهای پرمانند است</p>	رستم	
<p>کنار اسبش با لباس رزم و کلاه خود، بازویند و زره و تیرخورده حالت چهره پریشان و تعادلش به صورت اغراق‌آمیز به هم خورده و در حال افتادن است.</p>	اشکبوس	<p>تصویر(۳)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، اثر حسین همدانی. <a href="https://www.azhangnews.ir">https://www.azhangnews.ir</a></p>
<p>به رنگ قهوه‌ای، تیرخورده، زخمی، روی زمین افتداده، در خون غلتیده</p>	اسب اشکبوس	
<p>وجود سپاهیان در پشت سر شخصیت‌های اصلی رستم دو پهلوان در اندازه بزرگ ترسیم صحنه نبرد تن به تن و کشته شدن اشکبوس وجود خیمه‌ها، قلعه‌ها و سپاهیان اسب سوار وفیل سوار اسب تاختن یک سرباز از سوی سپاه اشکبوس به سوی سپاه رستم</p>	صحنه	 <p>تصویر(۴)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهوه‌خانه‌ای، اثر منصور وفایی. <a href="https://i.pinimg.com">https://i.pinimg.com</a></p>
<p>پیاده و زانوزده، بدون زره و با کلاه خود و بازویند و زانوبند با سر آستین‌های بیری شکل با تیر و کمان تیر چوبی که انتهای آن سفیدرنگ، پرمانند و سر طلایی است</p>	رستم	
<p>پیاده با لباسی رزم و کلاه خود، بازویند و زره و تیرخورده، با چهره پریشان که تعادلش به صورت اغراق‌آمیز به هم خورده و در حال افتدادن است.</p>	اشکبوس	
<p>به رنگ سفید، تیرخورده، زخمی، روی زمین افتداده</p>	اسب اشکبوس	



<p>وجود سپاهیان و خیمه‌ها در پشت سر شخصیت‌های اصلی در فاصله بسیار دور ترسیم شخصیت‌های اصلی در اندازه بزرگ (رستم تنومندتر از اشکبوس است) ترسیم صحنه نبرد تن به تن و کشته شدن اشکبوس یک سرباز سوار بر اسب از سوی سپاه اشکبوس به سوی سپاه رستم می‌تازد.</p>	صحنه	
<p>پیاده و زانوزده، بدون زره و با کلاه خود بازوبند و زانوبند با سر آستین‌های ببری شکل با تیر و کمان تیر چوبی دارای انتهای پرمانند است</p>	رستم	
<p>پیاده با لباسی رزمی و کلاه خود، بازوبند و زره و تیرخورده حالت چهره پریشان و تعادل بدن به صورت اغراق‌آمیز برهم خورده و در حال افتادن است.</p>	اشکبوس	
<p>رنگ سفید، تیرخورده، زخمی، روی زمین افتاده</p>	اسب اشکبوس	
<p>وجود سپاهیان در پشت سر شخصیت‌های اصلی ترسیم شخصیت‌های اصلی در اندازه بزرگ ترسیم صحنه نبرد تن به تن و کشته شدن اشکبوس وجود قلعه‌ها، درختان و چشمه و سپاهیان اسب سوار وجود دو سرباز در پشت سر شخصیت‌ها و در حال اشاره به فهرمانان در حال نبرد</p>	صحنه	
<p>پیاده و زانوزده، با لباسی با سر آستین‌های ببری شکل، بازوبند، کلاه خود، زانوبند و بدون زره و با تیر و کمان تیر چوبی دارای انتهای پرمانند است.</p>	رستم	
<p>پیاده در کنار اسبیش با لباسی رزمی و کلاه خود و زره و بازوبند و تیرخورده حالت چهره خشنی و حالت ناپایداری شخصیت از پاها مشخص است</p>	اشکبوس	
<p>رنگ سیاه، روی زمین افتاده</p>	اسب اشکبوس	

منبع: (زنگارندگان).

تصویر (۵)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهقهه‌ای، اثر منصور وفايي.  
<http://bzn110.blogfa.com>

تصویر (۶)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهقهه‌ای، اثر محمد فراهانی. منبع:  
<https://nl.pinterest.com>

## ۱ تطبیق متن اشعار شاهنامه و نقاشی‌های قهقهه‌خانه‌ای نبرد رستم و اشکبوس

تطبیق و مقایسه نمونه‌های نشان می‌دهد که تقریباً نمونه‌های نقاشی‌های قهقهه‌خانه‌ای این پژوهش پایین‌دی زیادی به اشعار شاهنامه دارند و البته با تمایزاتی از هم تصویر شده‌اند که ریشه در تخلیل و زبان و بیان هنری خاص هنرمند دارد. در متن اشعار شاهنامه رستم پیاده به کارزار با اشکبوس می‌رود و اشکبوس سوار بر اسب خود در میدان نبرد حاضر می‌شود. در تمام شش نمونه پژوهش حاضر رستم با پای پیاده ترسیم شده است و اشکبوس در کنار اسب خود دیده می‌شود. نکته مهمی که در اشعار ذکر شده، شبیه رستم در جنگ‌اوری و دلاوری به شیر و نهنگ و پلنگ است و این امر به عنوان توجیه پیاده آمدن او به صحنه جنگ بیان شده است. مطابق با اشعار، اسب رستم خسته بوده و آمادگی حضور در صحنه نبرد را نداشته است.

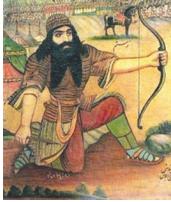
به نظر می‌رسد قول‌لرآفاسی شبیه رستم به شیر و نهنگ و پلنگ را این‌گونه بازنمایی کرده است که او را بدون لباس رزم و با پیراهنی پشمی و بی‌مانند و با سر آستین‌هایی به سان سر بر ترسیم کرده است. پوشش بی‌مانند رستم جامه‌ای است که او در خلال مبارزه‌ای با اژدهای ببریان و شکست دادن او از پوست حیوان تهیه کرده است (اکبری مفاخر، ۱۳۹۶: ۷۷-۷۸). همچنین رستم در تصویر (۱) بدون زره، کلاه‌خود، بازویند و زانویند مصور شده است؛ در حالی که در نمونه‌های (۲) و (۳)، (۴)، (۵) و (۶) زره ندارد؛ اما کلاه‌خود، بازویند و زانویند دارد. همچنین لباس ببری شکل او هم در تمامی موارد با تفاوت‌هایی ترسیم شده است. برخلاف رستم، اشکبوس در تمامی موارد لباس رزمی کامل همراه با زره بر تن دارد. تمایز لباس رستم و اشکبوس را باید در این نکته جستجو کرد که رستم پهلوان اصلی داستان در تمام مراحل زندگی خود از اتفاقات پر خطر شجاعانه بیرون آمده و جسورانه عمل کرده است. جزء به جزء پوشش رستم یادآور نبردهای قهرمانه‌ای است که داشته است. رستم با کشتن اژدهای ببریان، از پوستش برای خود جامه‌ای تهیه می‌کند و با کشتن دیو سپید از پوست سر دیو برای خود کلاهی می‌سازد (اکبری مفاخر، ۱۳۹۶: ۱۰۲) و این موارد مراحل پختگی و تجارب رستم را در مسیر پهلوانی اش نشان می‌دهد؛ در حالی که اشکبوس بالباس رزمی یکدست و عاری از نشانه‌های خاص به سان یک جنگ‌اور عادی به نمایش درآمده است. نکته جالب توجه این است که در تصویرگری اثر، رستم شخصیت اصلی و مناسب با هدف فردوسی ترسیم شده است؛ اما در اشعار با توجه به این بیت که اشکبوس خطاب به رستم می‌گوید: «بدو گفت خندان که نام تو چیست / تن بی سرت را که خواهد گریست» (شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، ۱۳۷۱: ۱۸۳) به نظر می‌رسد اشکبوس فردی بنام است و برای رستم شناخته شده است و بر عکس رستم برای اشکبوس شناخته شده نیست؛ اما بیان تصویری، برتری و محوریت شخصیت رستم را به مخاطب نشان می‌دهد. باید خاطرنشان کرد در همه شش مورد، لحظه اوج داستان یعنی تیرخوردن اشکبوس مصور شده است. بنابراین در همه موارد اشکبوس تیر خورده است و حالت چهره اشکبوس در موارد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) منطبق با اشعار شاهنامه نیست و چهره‌ها حالت خنثی دارند. در همه موارد نقش شخصیت‌های اصلی داستان بزرگ‌تر از ترسیم شده و حتی در نمونه‌های (۱)، (۳) و (۵) شخصیت رستم بزرگ‌تر از اشکبوس مصور شده است. اسب اشکبوس هم در همه نمونه‌ها بر روی زمین افتاده است. اما در تصاویر (۱)، (۳)، (۴) و (۵) اسب اشکبوس مطابق با متن تیر خورده و بر



زمین افتاده است. در نمونه‌های (۲) و (۶) فقط افتادن اسب تصویر شده است. در مورد رنگ و ویژگی‌های اسب اشکبوس در اشعار اطلاعاتی ارائه نشده است. در حالی که هنرمندان در آثار (۱) و (۳) اسب‌ها را به رنگ قهوه‌ای و در موارد (۲) و (۶) به رنگ سیاه و در نمونه‌های (۴) و (۵) هم سفید نقاشی کرده‌اند. در همه نمونه‌ها مطابق با اشعار، رستم مسلح به تیر و کمان است و تیر رستم از جنس درخت خدنگ است و انتهای تیر در همه نمونه‌ها به صورت پرمانند و با تفاوت‌هایی ترسیم شده است. تیر رستم در نمونه (۴) بسیار شاخص تر و اغراق‌آمیزتر ترسیم شده و حالت پرمانند انتهای تیر و سر الماس‌گون و براق آن در این نمونه بیشترین پایبندی را به متن دارد. در نمونه (۲) و (۳) نیز تیر با سر الماس‌گون و براق ترسیم شده است. اما در بقیه موارد سر تیر یا مشخص نیست یا به این شکل بارز و خاص و منطبق با متن مصور نشده است. سر تیر در نمونه (۴) و (۵) طلایی است و در موارد (۲) و (۳) سفیدرنگ نقش شده است. انتهای پردار تیرها نیز در نمونه‌های (۴) و (۵) شبیه هم و متمایزتر از بقیه است اما در نمونه‌های دیگر فرم انتهای تیر شباخت زیادی به یکدیگر دارند با این تفاوت که در موارد (۲)، (۳) و (۶) به سفیدی می‌گراید و در نمونه (۱) تیره‌تر ترسیم شده است. نکته مهم دیگر در اشعار عبور تیر رستم از مهره پشت اشکبوس است. در همه موارد منطبق با اشعار تیر رستم بر سینه اشکبوس اصابت کرده است؛ اما در موارد (۱)، (۴) و (۵) تیر رستم از قسمت مهره پشت هم عبور کرده است و این ویژگی در موارد (۲)، (۳) و (۶) دیده نمی‌شود.

در مورد ترکیب‌بندی نمونه‌ها و عناصر بصری موجود در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای هم باید خاطرنشان کرد که نمونه‌های (۳) و (۵) ترکیب‌بندی ساده‌تری نسبت به سایر نمونه‌ها دارند. در نمونه (۳) پس‌زمینه شخصیت‌های اصلی با تصویر دو سرباز نیزه‌دار، کوه‌ها و درخت‌هایی در نقاط دوردست مزین شده است و در نمونه (۵) هم در فاصله خیلی دورتر از شخصیت‌های اصلی، در پشت سر رستم خیمه‌هایی دیده می‌شود و در پشت سر اشکبوس هم سپاهیانی مشاهده می‌شود و سواره‌ای در حال اسب تاختن از سمت سپاه اشکبوس به سمت خیمه‌های پشت سر رستم است. در تصویر (۱) هم عناصری چون نقش خیمه، پرچم، سپاهیان اسب‌سوار و فیل‌سوار دیده می‌شوند و دو سرباز هم در حال اشاره به جنگ تن به تن رستم و اشکبوس هستند. در تصویر (۲) هم تصویر سپاهیان، خیمه، قلعه‌ها و درختان و منظره طبیعت جلوه‌گری می‌کنند. در تصویر (۴) نقوش خیمه‌ها، قلعه‌ها، سپاهیان اسب‌سوار و فیل‌سوار، منظره طبیعت و درختان و کوه‌ها در کنار رودی ترسیم شده است. نقش رود در نمونه‌های دیگر دیده نمی‌شود و فقط در نمونه (۶) چشم‌های دیده می‌شود که حالت آبشار دارد. در این نمونه هم تصویر سپاهیان، درختان سرسبز و قلعه‌هایی دیده می‌شود و نقاش در اثر خود نقش هیچ خیمه‌ای را مصور نکرده است. نکته جالب توجه این است که دو سرباز نیزه‌دار که در حال راه‌رفتن و اشاره به رستم و اشکبوس هستند؛ در نمونه‌های (۱)، (۲)، (۳) و (۶) تکرار شده است و گویا راویان اصلی ماجرا این دو هستند و سواره‌ای هم که در حال دویدن از سمت پشت سر اشکبوس به سوی سپاه رستم است، در نمونه‌های (۲)، (۴) و (۵) مصور شده است. شایان ذکر است در این نمونه‌ها با اینکه نقاشان از عناصر مشترک بصری برای ترکیب‌بندی‌های خود بهره گرفته‌اند اما هر کدام از آثار دارای ترکیب‌بندی رنگی و حسی متمایز از هم هستند و با اینکه یک موضوع تکراری توسط این نقاشان بازنمایی شده است اما هریک وجه خلاقانه و جذاب خود را دارد.

جدول (۳)، تطبیق صحنه‌ها، رستم و اشکبوس در نقاشی‌های قهقهه‌ای با متن شاهنامه

دو نیزه‌دار تماشگر و سواره پیک	اسب اشکبوس	اشکبوس	rstم	ویژگی‌های صحنه در کل اثر
				 <p>تصویر (۱)، نبرد رستم و اشکبوس از حسین قولرآقاسی، ۱۳۱۹ ه.ش، رنگ روغن روی بوم، محفوظ در موزه رضا عباسی. (سیف، ۷۹:۱۳۶۹)</p>
				 <p>تصویر (۲)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهقهه‌ای، اثر حسن اسماعیل زاده. (<a href="https://ideaschool.ir">https://ideaschool.ir</a>)</p>
				 <p>تصویر (۳)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهقهه‌ای، اثر حسین همدانی. (<a href="https://www.azhangnews.ir">https://www.azhangnews.ir</a>)</p>



				
				<p>تصویر(۴)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهقهه‌خانه‌ای، اثر منصوروفایی.  <a href="https://i.pinimg.com">https://i.pinimg.com</a></p>
				
				<p>تصویر(۵)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهقهه‌خانه‌ای، اثر منصوروفایی.  <a href="http://bn110.blogfa.com">http://bn110.blogfa.com</a></p>
				
				<p>تصویر(۶)، نبرد رستم و اشکبوس، نقاشی قهقهه‌خانه‌ای، اثر محمد فراهانی. منبع:  <a href="https://nl.pinterest.com">https://nl.pinterest.com</a></p>

### ویزگی‌های صحنه: حضور دو سپاه ایران و توران

**ویزگی‌های رستم:** پیاده، تشبیه پیاده کارزار کردن رستم به شیر و نهنگ و پلنگ، دارای تیر و کمان، تیر رستم از جنس درخت خدنگ و دارای پیکان الماس‌گون و دارای پر عقاب بود.

**ویزگی‌های اشکبوس:** سواره، تن لرzan و رخ زرد در هنگام زخمی شدن اسپش، تیر رستم از مهره پشت او عبور می‌کند. تیر رستم بر سینه و پهلوی او اصابت می‌کند.

**اسب اشکبوس:** رستم اسب اشکبوس را در شروع نبرد با پرتاپ تیری از پهلو زخمی می‌کند و اسب با سر روی زمین می‌غلتند.

ویزگی‌های صحنه و شخصیت‌های نبرد رستم و اشکبوس در اشعار شاهنامه

**وجه اشتراک:** پیاده بودن رستم و سواره بودن اشکبوس مطابق با اشعار است. در تمام موارد اشکبوس لباس رزم به تن دارد و در همه موارد رستم با لباسی با طرح پوست بیرون با استین‌هایی به شکل سر بر تصویر شده است. در همه نمونه‌ها مطابق با اشعار، رستم تیر و کمان به دست دارد و تیر رستم چوبی است و انتهای تیر در همه نمونه‌ها حالت پرمانند دارد.

تیر رستم در نمونه (۴) بسیار شاخص‌تر و اغراق‌آمیزتر ترسیم شده و حالت پرمانند انتهای تیر و نوک الماس‌گون و براق آن در این نمونه بیشترین پایبندی را به متن دارد. همین سر الماس‌گون و براق در نمونه (۲) و (۳) نیز برای تیر صدق می‌کند.

انتهای تیر در نمونه (۵) نیز بیشترین پایبندی را به متن دارد. در تصاویر (۱)، (۳)، (۴) و (۵) اسب اشکبوس مطابق با متن تیر خورده و بر زمین افتاده است. در نمونه‌های (۲) و (۶) فقط افتادن اسب تصویر شده است.

در تصاویر (۱) و (۳) اسب‌ها قهوه‌ای رنگ و در موارد (۲) و (۶) سیاه و در نمونه‌های (۴) و (۵) هم سفید مصور شده است.

حالت چهره اشکبوس در موارد (۲)، (۳)، (۴) و (۵) منطبق با اشعار و حاکی از حسن آشتفتگی است. در همه موارد منطبق با اشعار تیر رستم بر سینه اشکبوس اصابات کرده است.

در اشعار آمده است که نیراز مهرب پشت اشکبوس هم عبور می‌کند. در موارد (۱)، (۴) و (۵) تیر رستم به قفسه سینه اشکبوس اصابات کرده و از قسمت مهرب پشت هم عبور کرده و سر تیر از بدن اشکبوس بیرون زده است.

#### تطبیق تصاویر و اشعار شاهنامه

**وجه افراد:** قوللرآقاسی رستم را بدون لباس رزم نظری زره، کلاخود، بازوبند و زانوبند تصویر کرده است؛ اما هنرمندان دیگر رستم را با پوشش کلاه خود، بازوبند و زانوبند و بدون زره مصور کرده‌اند. در اشعار پیاده بودن رستم و تشبیه او به شیر و نهنگ و پلنگ ذکر شده و آمده است که این‌ها سواره به جنگ نمی‌روند. شاید خواش و تفسیر قوللرآقاسی از این بیان اشعار باعث شده او رستم را بدون لباس رزم مصور کند.

در نمونه‌های (۲) و (۶) تیر خوردن اسب دیده نمی‌شود.

تنوع رنگی در ترسیم اسب‌ها دیده می‌شود.

تیر رستم در نمونه‌ها با تفاوت‌هایی تصویر شده است مثلاً حالت براق و الماس‌گون پیکان (سر تیر) در نمونه‌های (۲)، (۳) و (۴) دیده می‌شود؛ اما در بقیه موارد سر تیر یا مشخص نیست یا به شکل بارزو خاص و منطبق با متن مصور نشده است. پیکان تیر در نمونه (۴) طلایی و در موارد (۲) و (۳) سفید است. انتهای پردار تیرها نیز در نمونه‌های (۴) و (۵) شبیه هم و متمایزتر از بقیه است اما در نمونه‌های دیگر فرم انتهای تیرها شباهت زیادی به یکدیگر دارند با این تفاوت که در موارد (۲)، (۳) و (۶) به سفیدی می‌گرایند و در نمونه (۱) تیرهای ترسیم شده است.

تصویر چهره اشکبوس در موارد (۱) و (۶) منطبق با اشعار شاهنامه نیست و چهره‌ها حالت خشنی دارند.

چنان‌که در اشعار آمده تیر از مهرب پشت اشکبوس هم عبور کرده است. در موارد (۱)، (۴) و (۵) تیر رستم از قسمت مهرب پشت هم عبور کرده است و این ویژگی در موارد (۲)، (۳) و (۶) دیده نمی‌شود.

منبع: (نگارنده‌گان).

## ۱ نتیجه‌گیری

یافته‌ها نشان می‌دهد هنرمندان نقاشی قهوه‌خانه‌ای، نبرد رستم و اشکبوس را منطبق با اشعار شاهنامه مصور کرده‌اند و نقطه عطف و اوج داستان یعنی صحنه شکست اشکبوس و تیرخوردن او را به تصویر کشیده‌اند و ویژگی‌هایی چون پیاده بودن رستم، سواره بودن اشکبوس و اصابات تیر رستم بر سینه اشکبوس مطابق با اشعار شاهنامه مصور شده است. رستم و اشکبوس به عنوان شخصیت‌های اصلی داستان اندامی بزرگ‌تر از بقیه عناصر



تصاویر دارند. قوللرآگاسی با اشعار شاهنامه که رستم را به شیر، نهنگ و پلنگ تشبیه کرده و این امر را توجیهی برپیاده جنگیدن رستم ارائه نموده است؛ رستم را بدون لباس رزم مصوّر کرده و رستم را بالباسی پشمی چون پوست ببر با سرآستین‌های ببری شکل ترسیم کرده است، ولی در نمونه‌های دیگر علاوه بر لباس ببری شکل بر تن رستم، کلاه خود، بازو بند و زانو بند نیز در پوشش او مشاهده می‌شود. البته در هیچ یک از نمونه‌ها زره بر تن رستم دیده نمی‌شود؛ در حالی‌که اشکبوس در همه موارد بالباس رزم و با کلاه خود، زره و ... ترسیم شده است. اسب اشکبوس هم مطابق با اشعار شاهنامه در همه شش مورد ترسیم شده است و در تصاویر(۱)، (۳)، (۴) و (۵) اسب اشکبوس مطابق با متن تیر خورده و بر زمین افتاده است. در نمونه‌های (۲) و (۶) فقط افتادن اسب تصویر شده و در تصاویر (۱) و (۳) اسب‌ها قهوه‌ای رنگ و در موارد (۲) و (۶) سیاه و در نمونه‌های (۴) و (۵) هم سفید مصوّر شده است. به طور کلی باید گفت هنرمندان در عین انتخاب کادر محدود و بسته و ترکیب‌بندی‌هایی با عناصر محدود، آثاری خلاقانه و دلپذیر خلق کرده‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

- در آثار نقاشی قهوه‌خانه‌ای، شخصیت اصلی واقعه، همیشه بزرگ‌تر و در بهترین بخش از فضای اثر، نقش می‌شده است که به این ویژگی پرسپکتیو مقامی گفته می‌شود. (بهاری، ۱۳۹۴: ۵)

## منابع

- اعظم‌زاده، محمد، (۱۳۸۶)، «پیوند نقاشان خیالی ساز با ادبیات»، علامه، شماره ۱۳.
- اکبری مفاخر، آرش، (۱۳۹۶)، «رستم در حماسه‌های گورانی»، پژوهشنامه ادب فارسی، سال ۱۳، شماره ۲.
- آیدنلو، سجاد، (۱۳۹۰)، «ویژگی‌های روایات و طومارهای نقالی»، بوستان ادب، سال ۳، شماره ۱.
- بلوک‌باشی، علی، (۱۳۷۵)، قهوه‌خانه‌های ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بهاری، بهاره، (۱۳۹۴)، «بررسی تحلیلی عناصر ترئینی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای با تأکید بر آثار حسین قوللرآگاسی، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی.
- پاکباز، روئین، (۱۳۷۹)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، چاپ اول، تهران: نارستان.
- چلیپا، کاظم، گودرزی، مصطفی، شیرازی، علی‌اصغر، (۱۳۹۰)، «تأملاتی درباره موضوعات ملی و مذهبی در نقاشی قهوه‌خانه‌ای»، نگره، دوره ۶، شماره ۱۸.
- حسین‌آبادی، زهرا، محمدپور، مرضیه، (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیر نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای با موضوعات مذهبی بر روی باورهای عامه مردم»، جلوه هنر، دوره ۸، شماره ۲.
- ساریخانی، مجید، (۱۳۸۴)، «نقاشی قهوه‌خانه‌ای در دوره قاجار»، مجله وقف میراث جاودیان، شماره ۵۰.
- سرحدی، مسعود، (۱۳۹۴)، «بررسی شگردهای ادبیات روایی در رزنامه رستم و اشکبوس (با محوریت گفتگو)»، فصلنامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۲۴.
- سیف، هادی، (۱۳۶۹)، نقاشی قهوه‌خانه، چاپ سوم، تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و سازمان میراث فرهنگی.
- شاهنامه ابوالقاسم فردوسی، (۱۳۷۱)، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر سوم، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا: بنیاد

- میراث ایران.
۱۳. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۶)، *أنواع أدبي*، تهران: فردوسی.
  ۱۴. طوبایی، زهرا، کامیار، مریم، (۱۳۹۳)، «بررسی تطابق صوت و تصویر در نقالی و نقاشی قهقهه خانه‌ای»، *هنرهای کاربردی*، شماره ۵.
  ۱۵. غفوریان مسعودزاده، مهنوش، علی‌محمدی اردکانی، جواد، (۱۳۹۳)، «همگامی نقاشی‌های قهقهه‌خانه‌ای با ادبیات عامیانه عصر قاجار (مطالعه مضمونی و ساختاری نقاشی‌های قهقهه‌خانه‌ای متعلق به موزه آستان قدس رضوی با تصاویر کتاب طوفان البکاء»، *آستان هنر*، شماره ۱۰.
  ۱۶. فروزان، آزاده، (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی میان متن شاهنامه فردوسی و تصاویر برگرفته شده از شاهنامه در مکتب نقاشی قهقهه خانه»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
  ۱۷. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، *تفسیر قمی*، جلد ۲، چاپ چهارم، قم: دارالكتاب.
  ۱۸. گوئیانی، فرزان، ضرغام، ادhem، (۱۳۹۳)، «نقش خیر و شر در شخصیت‌های آثار حسین قوللر آغا‌سی»، *نگره*، دوره ۹، شماره ۲۰.
  ۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، جلد ۲۴، چاپ اول، تهران: دارالكتب الاسلامیه.
  ۲۰. هوشیار، مهران، افتخاری راد، فاطمه، (۱۳۹۵)، *آشنایی با خیالی‌نگاری*، تهران: سمت.
21. <http://bzn110.blogfa.com/post/97> (access date: 2022/10/01).
  22. <https://i.pinimg.com/originals/de/ea/0c/deea0ced142b311d07692807033c635f.jpg> (access date: 2022/10/01).
  23. <https://ideaschool.ir/%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D8%AF-%D8%AD%D8%B3%D9%86-%D8%A7%D8%B3%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C%D9%84-%D8%B2%D8%A7%D8%AF%D9%87/> (access date: 2022/10/01).
  24. [https://nl.pinterest.com/pin/796785359069841423/?nic\\_v3=1a6NFn1nk](https://nl.pinterest.com/pin/796785359069841423/?nic_v3=1a6NFn1nk) (access date: 2022/10/01).
  25. <https://www.azhangnews.ir/2022/07/10/%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D-B%D8%C%D8%AA-%D9%86%D8%A8%D8%B1%D8%AF-%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D9%85-%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%88-%D8%A7%D8%B4%DA%A9%D8%A8%D9%88%D8%B3/> (access date: 2022/10/01).

